

بهمنگان یا جشن بهمن

* دومین روز هر ماه نامش بهمن است. از اینرو جشن بهمن یا بهمنگان را در پیش داریم. پیشاپیش این جشن را به همه ی آنهایی که به ایران و فرهنگ برابر آن دلبستگی دارند، شاد باش می گویم.

* بهمنگان را بهمنجه هم می گویند.

* بانو شهریاری (بهرامی) بانوی ایرانی زرتشتی و یکی از سرایندگان به نام کشورمان می باشد. در باره ی بهمنجه سروده ای سروده است:

بهمنجه آمد، بگشایید بر او در
ریزید به شادی می گلرنگ به ساغر
در این شب فرخنده و سرماي زمستان
آتش بفرزید، چو بگذشته به مجمر
فرهنگ کهنسال وطن، ژرف، چو دریاست
شاد آنکه چو غواص در آن گشت شناور
بهمنجه جشنی است به روز و مه بهمن
تارش همه از شادی و پودش همه از فر
سرلوحه هستی، به جهان، شور و سرور است
شادبست روان، گیتی خاکی است چو پیکر
هر دم که به شادی گذرد، زندگی آنست
این را کُند ایرانی فرهیخته باور
اندوه بود زاده ی اهریمن بدکار
دل را یکنند ریش بتر از دم خنجر
از غم بگریزید، که غم دشمن جانست
هر دم که به غم می گذرد، عمر تو مَشمَر
شادی و خوشی موهبت و داده ی مَرداست
باید که از این راه شوَد روح، توانگر

* از چندی پیش هموندان انجمن پارسی گویان پاریس و دوستداران فرهنگ ایران، برآن شدند که برای آشنایی بیشتر با فرهنگ ایران، جشن های ماهانه را گرامی داشته و با به دور هم گرد آمدن، هم فرهنگ ایران را پاس داشته و هم شبی را به شادی بگذرانند. زیرا به باور بسیاری از هموندان انجمن پارسی گویان پاریس، هر آنچه که این روزها بر سر ایران و ایرانی می آید، از روی ناآگاهی و ناآگاهی است و بس.

* در پی این دیدگاه هم چندین و چند جشن ماهانه را به خوبی و خوشی برگزار کردیم.

* همگان می دانند که از یک سال و اندکی پیش به این سو، جهان با ویروس کرنا دست به گریبان است. با همه ی کوشش هایی که دانشمندان سراسر جهان می کنند، شوربختانه هنوز نتوانسته اند بر این آفت جان مردم چیره شوند.

- از اینرو برای جشن بهمنگان از به دور هم نشستن پرهیز می کنیم تا مبادا خدا ناخواسته برای کسی دردسری آفریده شود.

* اکنون پس از این پیش درآمد نه چندان خوش آیند، کمی هم از جشن بهمن بگوییم.

* واژه ی جشن واژه ایست بسیار کهن که بارِ گرانی از سنت های دیرین را به دوش می کشد. این واژه از ریشه ی یَز اوستایی گرفته شده که در چَم ستایش کردن است. به سخنی دیگر جشن همان ستایش و پرستش است، همراه با شادی و سُرور.

امشاسپندان

- بهمن یکی از امشاسپندان است.
- امشاسپند در چَم فرشته ی پاک و پرهیزکار است.
- در آیین زرتشت، آفریننده ی جهان یا اهورامزدا دارای شش فروزه ی (صفت) خوب و برجسته می باشد که هر فروزه را امشاسپند می نامند و هر یک از این امشاسپندان انجام کاری را در جهان هستی به گردن گرفته اند. به این شش امشاسپند با خود اهورامزدا هفت امشاسپندان گفته می شود که در آیین زرتشتی از جایگاه ویژه ای برخوردار هستند.

* نام شش امشاسپند:

- بهمن = منش نیک - نگهبان جانوران،
- اردیبهشت = بهترین پاکی و راستی
- شهریور = شهرباری نیرومند - نگهبان توپال ها (فلزات)
- سپندارمذ یا اسپند = دارنده ی خرد - فروتنی و مهر پاک
- خورداد = تندرستی و رسایی - نگهبان آب ها
- اَمرداد = بی مرگی و جاودایگی

* یکی از سنت های جشن بهمن اینست که همه می کوشند در این روز پوشاک سفید بر تن کنند. چون رنگ سپید است که هر ناپاکی و آلودگی را آشکار کرده و آن را نشان می دهد. با اینکار نمادین نیاکان ما که پیرو آیین زرتشت بودند، نشان می دادند که از هر گونه ناپاکی و پلیدی به دور می باشند و چون آزار به جانوران یکی از پلیدی هاست، با بر تن کردن پوشاکی سپید رنگ مهر و دوستی خود را با جانوران نشان می دادند.

- یکی دیگر از سنت ها این بود که در این روز از خوردن گوشت جانوران خودداری می کردند. برخی ها هم در همه ی ماه بهمن کشتار جانوران را ناروا دانسته و گوشت نمی خوردند.
* هم میهنان زرتشتی ما هنوز هم این آیین ها را گرامی داشته و انجام می دهند.

* هر یک از جشن های ماهانه گل ویژه ای داشتند. گل ویژه ی بهمن، یاسمن سپید است.



- بر پایه ی نوشتاری که از **ابوریحان بیرونی** برجای مانده، گیاه دیگری هم داریم به نام امشاسپند بهمن، که گل‌های آن در ماه بهمن باز می شوند.
این گیاه بیخی سپید یا سرخ رنگ دارد که مانند زردک خوشبو می باشد و در پزشکی کاربرد دارد. همین گیاه در فرانسه Behen نامیده می شود و در گذشته، در داروخانه ها از ریشه ی آن به نام بهمن سرخ و یا بهمن سپید سود می بردند.

فراهم کننده ژاله دفتریان
دی ماه ۲۵۸۰ ایرانی
برابر با ژانویه ۲۰۲۲ ترسایی

